



فراز و نشیب‌های بحران ارزی در جهان

قیل و قال ارزی

موضوع جنگ ارزی آنقدرها هم که می‌گویند خطرناک و جدی نیست.

در هفته‌های گذشته، اقتصاد جهانی - حداقل به صورت لفظی - در تدارک و تجهیز یک جنگ بوده است. از زمانی که وزیر دارایی برزیل در ۲۷ سپتامبر اعلام کرد که یک "جنگ ارزی بین‌المللی" درگرفته، شرایط مباحثات اقتصادی جهانی تغییر شکل داده و به میدان نبرد تبدیل شده است. این میدان، تنها جولانگاه رسانه‌ها نیست، بلکه خود مقامات کشورها هم درگیر این بحث‌ها شده‌اند. کشورها یکدیگر را به دلیل ایجاد انحراف در تقاضای جهانی سرزنش می‌کنند؛ انحرافی که با سلاح‌هایی در حوزه تسهیل مقداری پول (چاپ پول اضافی برای خرید اوراق بهادار) تا دخالت‌های پولی و کنترل سرمایه به وجود آمده است.

پشت سر همه این قضایا، سه موضوع بحث برانگیز وجود دارد. بزرگترین آنها عدم تمایل چین به افزایش ارزش یوان است. مقامات آمریکایی و اروپایی در مورد دینامیک مخربی که به علت ارزش پایین پول ملی چین به وجود می‌آید، بیش از هر کس دیگر معترض‌اند. در این راستا، مجلس نمایندگان آمریکا در ماه سپتامبر قانونی را به تصویب رساند که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد در مقابل کشورهایی که ارزش پول خود را پایین نگه می‌دارند از ابزار تعرفه حمایتی استفاده کنند.

نکته دومی که باید به آن اشاره کرد سیاست پولی کشورهای ثروتمند است؛ به ویژه چشم‌اندازی که در آن امکان دارد بانک‌های مرکزی، چاپ پول را به منظور خرید

اوراق دولتی، بار دیگر آغاز کنند. در حال حاضر، ارزش دلار سقوط کرده است و بازارهای مالی از فلدرال رزرو انتظار دارند سریع‌تر و جسورانه‌تر عمل کند. در عین حال، ارزش یورو افزایش یافته و مقامات بانک مرکزی اروپا برای تغییر این وضعیت، کمترین جدیت را از خود نشان می‌دهند. از چشم چین (و البته دیگر بازارهای نوظهور)، تسهیل مقداری پول، انحرافی بسیار بزرگ در اقتصاد جهان ایجاد می‌کند، چرا که سرمایه‌گذاران را که در جست‌وجوی بازده بیشتر هستند به هر سو - به ویژه به سمت اقتصادهای نوظهور - سوق می‌دهد.

حوزه سوم درگیری‌ها از چگونگی واکنش کشورهای در حال توسعه در برابر جریان‌های سرمایه نشأت می‌گیرد. برزیل اخیراً مالیات بر خرید بدهی‌های خود را توسط سرمایه‌گذاران خارجی ۲ برابر کرده و تایلند از اعمال ۱۵ درصد مالیات برای سرمایه‌گذاران خارجی که برای خرید اوراق در این کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند، خبر داده است.

کم خطر، اما پُر تهدید

باید گفت این کشمکش‌ها برای وقوع یک جنگ ارزی واقعی ناکافی‌اند. بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهند بسیاری از سلاح‌های این جنگ، مخاطره‌آمیز به نظر نمی‌رسند. در میان کشورهای ثروتمند، تنها ژاپن اخیراً به مداخله پولی متوسل شده که آن هم تاکنون تنها یک بار

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۵۰ درس‌هایی برای آمریکا

۵۱ SMEها، نسخه‌های نجات

۵۲ غرق در فساد

۵۲ تشتت و وحدت

۵۳ تحولات اقتصادی جهان

۵۴ تحولات سیاسی جهان

۵۴ طرح ماه

صورت گرفته است. همچنین ریسک وقوع یک تلافی تجاری در آینده‌ای نزدیک منتفی است. حتی در آمریکا، تعرفه‌هایی که برای کالاهای چینی در نظر گرفته شده هنوز بسیار پایین هستند، زیرا حتی لایحه پولی مطرح شده در سنای آمریکا که چین را برای افزایش ارزش پول خود تحت فشار قرار می‌دهد، چندان تأثیر گذار نیست.

البته باید این را هم اشاره کرد که جنگ معمولی و ساختگی امروز می‌تواند به سرعت به یک فاجعه حقیقی تبدیل شود. شرایطی که پراکندگی سیاست‌های اقتصادی را اداره می‌کنند - به طور خاص، رشد اقتصادی کند در کشورهای ثروتمند - احتمالاً چندین سال دوام خواهند داشت. به علاوه، امکان دارد برنامه‌های ریاضت مالی وارد کار شوند و درخواست برای استفاده از یک پول ارزان‌تر به عنوان منبع تقاضا افزایش یابد و در نهایت، فشار سیاستمداران کشورهای مختلف بر چین بیشتر گردد. این امکان نیز وجود دارد که کشورهای در حال توسعه مجبور شوند بین از دست دادن رقابت پذیری، نظارت‌های دقیق سرمایه‌ای و مواجه شدن با افزایش شدید تقاضا و در نتیجه تورم بالا، یکی را انتخاب کنند.

واضح است که تقاضای جهانی، نیازمند باز تعدیل است. بدین منظور، ایجاد اصلاحات ساختاری در راستای افزایش هزینه‌های مصرف‌کننده در اقتصادهایی که با مزاد کالا مواجه‌اند می‌تواند بسیار مفید باشد. در عین حال، نرخ واقعی ارز در این کشورها باید افزایش یابد. ارزش پایین یوان چین، اکنون نه تنها به غرب و حتی دیگر کشورهای نوظهور (به ویژه کشورهای با نرخ ارز شناور) آسیب می‌رساند، بلکه خود این کشور را که بیشتر رشد اقتصادی‌اش از مصرف داخلی حاصل می‌شود در معرض خطر می‌دهد.

تقلید غلط

اقدام دولت بریتانیا بسیاری از کارشناسان را به این فکر واداشته که آیا آمریکا می‌تواند از استراتژی و سیاست‌های بودجه‌ای بریتانیا درس بگیرد؟ اجرای برنامه‌ای با این مقیاس در آمریکا دور از تصور است. برخی اقتصاددانان معتقدند چنین اقدامی حتی می‌تواند غیرعقلانه باشد، چرا که کاهش هزینه‌های دولت آمریکا با این سرعت، اقتصاد جهان را دچار آشفتگی کرده و خطر بروز رکود دیگری را به همراه خواهد داشت.

کمیسیون مالی دو حزبی تعیین شده توسط باراک اوباما، در گزارشی اعلام کرده که در حال کار کردن بر روی طرحی با هدف کاهش بودجه و رساندن آن به یک سوم تا سال ۲۰۱۵ است، یعنی قرار نیست مثل بریتانیا کسری بودجه به صفر برسد. این حرکت تدریجی در مورد آمریکا امکان پذیرتر است، زیرا در موقعیت بهتری قرار دارد. هزینه‌های دولت مرکزی در ایالات متحد نسبت به بریتانیا درصد کمتری از محصول ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهند. به این دلیل که در آمریکا هر کدام از ایالت‌ها مسؤول بودجه‌های خود هستند و هر یک به سهم خود برای کاهش هزینه‌ها اقدام کرده‌اند. دولت ائتلافی کنونی بریتانیا برای برنامه کاهش هزینه‌ها به نوعی مصالحه سیاسی رسیده است. در ایالات متحد، چنین طرحی برای تصویب در کنگره با مشکل سیاسی مواجه می‌شود و از توجه به مشکلات مالی بلند مدتی که از برنامه‌های بهداشت و امنیت اجتماعی ناشی می‌شوند جلوگیری خواهد کرد.

راه دیگر مبارزه با کسری بودجه افزایش مالیات است. بریتانیا نرخ مالیات بر ارزش افزوده را از ۱۷/۵ درصد به ۲۰ درصد افزایش داده است. اما از نظر سیاسی، افزایش مالیات در کنگره تقریباً غیرممکن است. بحث کاهش مالیات‌ها در زمان جرج بوش مطرح شد و اکنون طرح اوباما برای ادامه نرخ پایین مالیات برای خانواده‌هایی با درآمد بالاتر از ۲۵۰ هزار دلار و افراد با درآمد بیش از ۲۰۰ هزار دلار، ۳ تریلیون دلار دیگر به کسری بودجه خواهد افزود.

چالش واقعی برای مقامات دولت آمریکا، چگونگی تأمین هزینه‌های امنیت اجتماعی و بهداشت در بلند مدت است. بریتانیا سن بازنشستگی را از ۶۵ به ۶۶ سال رسانده، اما آمریکا پیش‌تر این کار را انجام داده است و حتی در نظر دارد تا سال ۲۰۲۲ آن را به ۶۷ سال برساند.

به طور کلی، مقایسه وضعیت آمریکا با بریتانیا امر آسانی نیست. دلیل آن این است که دولت مرکزی بریتانیا، خود کنترل هزینه‌ها را در بسیاری از حوزه‌ها، مثل آموزش به عهده دارد. اما در آمریکا این حوزه‌ها توسط ایالت‌ها اداره می‌شوند. در نتیجه، برخی ایالات آمریکا، نمایی از آنچه بریتانیا دنبال می‌کند از پیش نشان داده‌اند. ایالت‌های آمریکا چون نمی‌توانند کسری بودجه را مدیریت کنند، با اخراج کارگران، بیکاری بیشتر را دامن می‌زنند. ■

از آسیب ناشی از رکود تورمی و سقوط اقتصاد در غرب کمتر است.

باید افزود نشست گروه ۲۰ که اواخر اکتبر در کره جنوبی تشکیل شد، در راستای اعمال برخی اصلاحات بود. این کشورها توافق کردند به جای تعیین دستوری نرخ ارز در بازار، به اقتصادی آزاد و رقابتی روی آورند و سیاست‌هایی را دنبال کنند که برای کاهش عدم تعادل‌های خارجی ضروری اند. ■

کاهش بودجه بریتانیا

درس‌هایی برای آمریکا

مقایسه‌ها نشان می‌دهند تقلید آمریکا از شریکش، در راه کاهش هزینه‌ها عملی نیست.

نشان می‌دهد این شدیدترین برنامه ریاضت مدارانه بریتانیا در ۶۰ سال اخیر بوده است.

البته در این طرح مشکلاتی هم خود نمایی می‌کنند از جمله این که کاهش هزینه‌ها در برخی حوزه‌ها به قدر کافی نبوده‌اند. بنابراین، سطح کلی هزینه‌های دولت همچنان تا سال ۲۰۱۴ از ۶۹۶ میلیارد پوند فعلی به ۷۳۹ میلیارد پوند



اقدام دولت بریتانیا در ماه اکتبر مبنی بر اعمال شدیدترین کاهش بودجه دولتی در دهه‌های گذشته، اقدامی در راستای از بین بردن کسری بودجه این کشور در ۵ سال آینده است.

سرعت به صفر رساندن کسری بودجه در لندن تقریباً از هر پایتخت غربی دیگری بالاتر رفته است. در این رابطه، باراک اوباما هشدار داده که

اقدام به کاهش کسری با چنین سرعتی، می‌تواند اقتصادهای پُرچالش امروز را در ورطه رکود دیگری گرفتار کند. به هر حال، دیوید کامرون، نخست وزیر محافظه کار بریتانیا و نیک کَلگ، شریک ائتلافی لیبرال دمکرات وی، عزم خود را در این راه جزم کرده‌اند. آنها می‌خواهند با کاهش هزینه‌ها و افزایش مالیات، ظرف مدت ۵ سال، کسری بودجه‌ای معادل ۱۱ درصد محصول ناخالص داخلی کشورشان را از بین ببرند. در این طرح، قرار است حدود ۵۰۰ هزار شغل دولتی حذف شوند و هزینه سازمان‌های دولتی به طور میانگین ۱۹ درصد کاهش یابد. حتی هزینه‌های ارتش و حفاظت از خانواده سلطنتی با کاهش مواجه خواهند شد که گرفته ادامه دهد یا خیر.

اقدام به کاهش کسری با چنین سرعتی، می‌تواند اقتصادهای پُرچالش امروز را در ورطه رکود دیگری گرفتار کند.

به هر حال، دیوید کامرون، نخست وزیر محافظه کار بریتانیا و نیک کَلگ، شریک ائتلافی لیبرال دمکرات وی، عزم خود را در این راه جزم کرده‌اند. آنها می‌خواهند با کاهش هزینه‌ها و افزایش مالیات، ظرف مدت ۵ سال، کسری بودجه‌ای معادل ۱۱ درصد محصول ناخالص داخلی کشورشان را از بین ببرند. در این طرح، قرار است حدود ۵۰۰ هزار شغل دولتی حذف شوند و هزینه سازمان‌های دولتی به طور میانگین ۱۹ درصد کاهش یابد. حتی هزینه‌های ارتش و حفاظت از خانواده سلطنتی با کاهش مواجه خواهند شد که

